



حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ارتقای منافع ملی

محمد نادری چلاو^۱، علی اکبر جعفری^۲

چکیده:

تبیین سیاست‌های امنیتی ایران در غرب آسیا پس از انقلاب اسلامی، همواره مورد نظر سیاست‌مداران و پژوهشگران مختلف بوده است که اتخاذ کدام سیاست تأمین‌کننده حد اکثری امنیت و منافع ملی می‌باشد. تهدیدات مختلف امنیتی از سوی محور آمریکا، اسرائیل و متحدان آنان ویژگی آنارشی، نظامی‌گری و التهابات ناشی از دخالت‌های خارجی در منطقه را تقویت نموده است که ایران را به خودیاری و شکل‌دهی به ائتلاف امنیتی سوق داده است. بر اساس سوال اصلی پژوهش، چه رابطه‌ای میان حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی ایران در غرب آسیا وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ارتقای امنیت، گسترش عمق استراتژیک ایران و حفظ توازن منطقه‌ای از طریق استفاده از دو راهبرد ۱- قدرت سخت نظامی توأم با شالوده‌های قدرت نرم و ۲- اتحاد و ائتلاف نظامی و امنیتی با دولت و گروه‌های اسلامی رابطه‌ی معناداری با حضور منطقه‌ای و پاسخ به تهدیدات منطقه‌ای دارد. با توجه به کارکرد راهبرد امنیتی، بازدارندگی در مفهوم حفظ امنیت در برابر محور آمریکا، اسرائیل و متحدان محقق و نظامات سیاسی کشورهای عراق و سوریه با نابودی امکانات گروه‌های تروریستی تأمین و عمق استراتژیک ایران به خطوط دفاعی مقاومت پیوند خورد. اکنون بازدارندگی محور مقاومت مورد آزمایش جدی قرار دارد و توازن قوای منطقه‌ای تحت مولفه‌های جنگ و صلح قرار دارد. سیاست خارجی ایران بر دفاع از وضع موجود به معنای حفظ بازدارندگی ارکان محور مقاومت استوار است. پژوهش حاضر با ماهیت توصیفی-تحلیلی است که از روش تبیینی و کیفی در تحلیل داده‌ها و اطلاعات استفاده می‌شود. روش گردآوری اطلاعات، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات می‌باشد.

واژگان اصلی: موازنه تهدید، سیاست امنیتی، آنارشی، ائتلاف‌سازی، غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Mohammad.naderii77@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مقدمه

تبیین راهبرد امنیتی برای هر کشور مهم‌ترین کارویژه متولیان حوزه نظامی و امنیتی به حساب می‌آید. کاربست و گزینش راهبردها به منظور تامین منافع ملی ایران در منطقه‌ای نظیر غرب آسیا که از دیرباز در معرض تهدیدات گوناگون بوده است در دوره وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ توسط نظام سیاسی حاکم بر ایران به طور کلی دچار دگرگونی شد. این دگرگونی‌ها که در عرصه سیاست خارجی به تغییر در ماهیت قبل و بعد از انقلاب اسلامی قابل تقسیم‌بندی است، جهت-گیری سیاست خارجی ایران را از سیاست حفظ وضع موجود به سیاست تجدید نظرطلبی در روابط بین‌الملل تغییر داده است و در چنین شرایطی سیاست دفاعی، امنیتی جدیدی بنابر الزامات تبیین شد. خاورمیانه به عنوان اصلی‌ترین محیط منطقه‌ای ایران، پس از دهه ۱۹۹۰ با تغییرات گسترده ژئوپلیتیک روبرو است. بخش اعظم این تغییرات که بحران‌های جدیدی را در پی داشت ناشی از گسترش رقابت قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای است. بر طبق آنچه که از سوی «ساموئل کوهن» تحت عنوان نظریه «کمر بند شکننده» ارائه شده است. کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس را می‌توان در مرکزیت این کمر بند قرار داد. بنابراین به هر میزان که قدرت‌های بزرگ از توان تسلیحاتی و انگیزه مداخله‌گرایی بیشتری در این کمر بند شکننده برخوردار بوده‌اند، موقعیت آنان با چالش‌های متنوع‌تری مواجه می‌شود (عسگرخانی و حق‌شناس: ۱۳۹۰: ۷۸). در واقع باید گفت الگوی ناسازگاری و منازعه در منطقه‌ی غرب آسیا و خاورمیانه از یک‌سری عواملی سرچشمه می‌گیرد که از نیمه قرن ۲۰ به بعد شکل گرفته است. تشکیل کشورهای جدید ناشی از تجزیه عثمانی، وجود کشورهای کوچک در خلیج فارس، وجود رژیم صهیونیستی و فروپاشی شوروی در ایجاد فضای رئالیستی بر روابط کشورها نقش عمده داشته است. افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی ایران که در پی تحریم نفتی اعراب علیه اسرائیل در سال ۱۹۷۳ اجرا شد، درآمدهای ایران را از ۱۹۷۰م که ۱/۲ میلیارد دلار بود در سال ۱۹۷۴م به ۱۸/۵ میلیارد دلار و در سال ۱۹۷۵ م به ۲۰ میلیارد دلار رساند. در واقع تمایل ریچارد نیکسون به تقویت اقتصاد آمریکا با استفاده از فروش انواع تسلیحات (غیراتمی) به شاه ایران بود. هدف اصلی واشنگتن، تقویت ایران و معرفی ایران به عنوان پلیس منطقه‌ای تحت عنوان دکترین نیکسون برای حفظ منافع آمریکا در منطقه بود (Saikal and Vestenskov, 2020). شکستن سیاست دوستونی نیکسون که یک پایه آن ایران و یک

¹ Fragile belt

پایه آن عربستان بود، نوید از شکل‌گیری فرهنگ سازش‌ناپذیر سیاست خارجی ایران می‌داد. پس از جنگ، ایران حسن‌نیت برای رابطه با کشورهای همجوار در منطقه غرب‌آسیا را در دستور کار قرار داد که با رویکردهای کشورهای عضو سازمان همکاری خلیج‌فارس از مدیریت امنیت منطقه‌ای کنار گذاشته شد. وجود قدرت‌های فرامنطقه‌ای و هراس نظامات سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس از شکل‌گیری نهضت‌های اسلامی همواره از نگرانی‌های رژیم‌های محافظه‌کار عربی در قبال ارتباط با ایران بود. تبدیل منطقه غرب‌آسیا به منطقه‌ای کاملاً امنیتی از شروع جنگ تحمیلی و حمله‌ی عراق به کویت قوت گرفت. بحران‌ها در سطح منطقه‌ای تحت شرایطی حالت امنیتی می‌یابند که منطقه با وجود توأمان قدرت‌های خواستار حفظ وضع موجود و تجدیدنظر طلب یا به عبارتی تجدیدنظر طلبی در مقابل حفظ وضع موجود باشد. در این شرایط معمای امنیت رخ می‌دهد (بوزان، ۱۳۹۰: ۳۲۸). در چنین وضعیتی، بحران به حالت منازعه ارتقا می‌یابد که در آن شاهد مبارزه دولت‌ها بر سر قدرت، ارزش‌ها، مطالبه منزلت در سطوح امنیت با هدف نابودسازی، خنثی‌سازی و صدمه رقیب هستیم. مبدا تاریخی مهم حمله‌ی آمریکا به عراق با استراتژی حمله پیش‌دستانه‌ی آن شروع بهار عربی ۲۰۱۰، رویکرد رئالیستی موجود در منطقه را تقویت نمود و ایران را با تهدید امنیتی بالفعل مواجه کرد. سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در فروش تسلیحات پیشرفته به کشورهای حوزه خلیج‌فارس و منطقه غرب‌آسیا و تلاش کشورهای منطقه در کنار نهادن ایران از چارچوب مدیریت امنیتی منطقه، ایران را به سیاست خودیاری سوق داد که با اصول نظریه واقع‌گرایی همخوانی دارد. بدین ترتیب، ایران با استفاده از آموزه‌های نظریه واقع‌گرایی از انزوا جلوگیری کرده و مقابله با تهدیدات آمریکا و متحدان منطقه‌ای وی را در دستور کار قرار داد. سؤال پژوهش بدین شرح می‌باشد: بر اساس سوال اصلی پژوهش، چه رابطه‌ای میان حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی ایران در غرب‌آسیا وجود دارد؟ در فرضیه پژوهش ارتقای امنیت و گسترش عمق استراتژیک ایران از طریق استفاده از دو راهبرد ۱- استفاده از قدرت سخت نظامی، توأم با شالوده‌های قدرت نرم و ۲- اتحاد و ائتلاف نظامی با دولت‌های اسلامی

¹ The mystery of security

² Forehand attack

³ Arab Spring

⁴ Military hard power

⁵ soft power

⁶ Unity and coalition

رابطه معناداری در پاسخ ایران به تهدیدات منطقه‌ای و ابزار ایران برای حفظ امنیت ملی، دسترسی به منافع ملی و حفظ توازن منطقه‌ای است.

۱- پیشینه پژوهش

۱- امین سایکل و دیوید وستنسکوف (۲۰۲۰)، در پژوهش «امنیت ملی و توان عملیاتی ایران» با بررسی راهبرد نظامی ایران پس از انقلاب اسلامی که دارای ویژگی شیوه‌های جنگ نامتقارن می‌باشد، معتقدند حملات نظامی به ایران به شدت می‌تواند هزینه‌ها را برای کشور متهاجم بالا ببرد. تغییر در سیاست خارجی از دوستی غرب تا دوستی با شرق و همچنین تخاصم با ایالات متحده آمریکا در راهبرد منطقه‌ای ایران از چرخش‌های اساسی ایران است. قدرت‌سخت و نرم ایران به عنوان جنبه‌های کلیدی نفوذ منطقه‌ای شناخته می‌شود.

۲- مرادی و هدایتی (۱۳۹۶)، در مقاله «راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه» اذعان می‌کنند ایران در محیط ناآرام خاورمیانه به دنبال راهبرد امنیتی خاص به خود می‌باشد زیرا کشور های منطقه تلاش دارند با تعمیق روابط با کشورهای فرامنطقه‌ای، حضور فعال ایران در تامین امنیت منطقه را مسدود نمایند. طبق این دیدگاه راهبرد امنیت به هم پیوسته شکل گرفته است.

۳- برزگر (۱۳۹۷)، در مقاله «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای» اشاره می‌کند پویایی‌های منطقه‌ای بعد از وقایع بهار عربی، بروز بحران‌های جدید از جمله در سوریه و عراق و پدیده تروریسم و تضعیف دولت‌ها و به تبع باز تعریف نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای پر کردن خلاء قدرت، راهبرد جدیدی در سیاست خارجی ایران را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در ادامه این پژوهش رویکردهای سیاست منطقه‌ای ایران در سه مورد طرح شده است. یک: نیل به هدف قدرت منطقه‌ای شدن، دو: ایجاد یک منطقه قوی از کشورها، سه: قوی شدن در داخل کشور.

۲- چارچوب نظری؛ موازنه تهدید

نئورئالیسم آضمن حفظ چارچوب‌های اصلی رئالیسم، دست به تغییر آن طبق تحولات سیاسی و انتقادات رهیافت‌های بدیل می‌زند. اول: نئورئالیسم والتزی، بر منطق بقا به‌عنوان اولویت اصلی همه

¹ Amin saikal & david vestenskov

² Neorealism

بایگران تاکید می‌کند. دوم: بی‌اعتمادی متقابل به‌عنوان منطبق حاکم بر مناسبات دولت‌ها در وضعیت آنارشی باعث می‌شود تا تهاجم بالقوه، گسترش طلبی و زیاده‌خواهی به‌عنوان تهدیدات هستی‌شناختی پایدار در نزد دولت‌ها باشند. سوم: بر خلاف فرضیات بالا که برای تمام دولت‌ها اطلاق‌پذیری دارد، توانمندی به‌عنوان اصل تمایزبخش دولت‌ها باعث قدرت نابرابر آن‌ها در نظام بین‌الملل خواهد شد (جعفری و ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۵۴-۵۳). چهارم؛ نئورئالیسم بر این باور است که ساختار مستقل از روابط، منافع و مناسبات میان دولت‌ها است. ملهم از فرضیات بالا، ساختار نظام بین‌الملل در قرائت نئورئالیستی دارای سه وجه تنظیمی، توزیعی و کارکردی است. طبق اصل تنظیمی، نئورئالیسم قائل به دو منطق سلسله‌مراتبی و آنارشیکی جهت آرایش بازیگران در نظام بین‌الملل است. منطق سلسله‌مراتبی به مثابه اصل تنظیمی در یک نظام سیاسی ملی، آیتی بر اقتدار هژمون است که در تلاش برای تضمین امنیت درونی است. حال آن‌که آنارشی به مثابه منطق غالب در نظام بین‌الملل باعث می‌شود تا دولت‌ها رفتارهای گوناگونی از خود بروز دهند. طبق اصل توزیعی، قدرت به‌عنوان مشخصه اصلی تمایزبخش دولت‌ها به شیوه‌های گوناگونی در نظام بین‌الملل توزیع می‌شود (Watz, 1979: 98). در نهایت، طبق اصل کارکردی، دولت‌ها اغلب دارای کارویژه‌های مختلفی هستند؛ اما از آنجایی که فقدان اقتدار عالی و آنارشی به‌مثابه منطق غالب بر روابط بین‌الملل است، بقای سیاسی و تامین امنیت به‌عنوان اهتمام اصلی تمام دولت‌های حاضر در نظام بین‌الملل خواهد بود (جعفری و ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۵۴). موازنه تهدید قدرت را مدنظر قرار می‌دهد. و با شاخصه‌های جغرافیا، توانایی‌های تهاجمی، مقاصد تهاجمی، و در مفهوم جامع‌تر تهدید را بازسازی مفهومی می‌نماید. موازنه قدرت اتحاد دولت را در برابر قوی‌ترین دولت پیش‌بینی می‌نماید، بنابراین موازنه تهدید نه تنها اتحاد در برابر دولت تهدیدکننده را پیش‌بینی می‌کند بلکه اتحاد در برابر دولتی را پیش‌بینی می‌کند که احتمالاً قوی‌ترین نیست اما بر اساس عناصر همجواری، مقاصد تهاجمی یا دستیابی به ابزارهای اشغال تهدیدکننده، تهدید می‌باشد. ۱- دولت‌ها در مواجهه با تهدید خارجی در برابر دولت‌های تهدیدکننده متحد می‌شوند ۲- با افزایش جمع دولت تهدیدکننده، تمایل دیگران برای اتحاد در برابر آن افزایش می‌یابد؛ ۳- نزدیک‌تر بودن دولت قوی، تمایل دولت‌های نزدیک به آن را جهت اتحاد در برابر آن، افزایش می‌دهد، دولت‌های همسایه احتمال اتحادشان نسبت به دولت‌هایی که حداقل توسط قدرت دیگر جدا شده‌اند، کمتر است. افزایش توانایی‌های تهاجمی، تمایل

¹ Anarchic

² Threat balance

دولت‌های دیگر را در شکل بخشیدن به اتحاد در برابر آن افزایش می‌دهد و اتحاد شکل گرفته در زمان جنگ با اتمام آن، تمام می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۹: ۳۶۹-۳۳۸). یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به هنجارها تبدیل شود. هرگاه‌ها دولت احساس کنند موجودیت یا منافع آنها را سایر با دولت‌ها تهدید فوری روبرو می‌کنند، با اتحاد با یکدیگر، به موازنه در برابر آنها می‌پردازند (Watz, 1987: 11-12) بر اساس مفروضات راهبرد امنیتی ایران در غرب آسیا، بر مفروضات زیر توجه می‌شود:

۱- رابطه همکاری‌جویانه رسمی یا غیررسمی میان دولت‌های خاورمیانه ۲- منافع مشترک متحدین در زمینه امنیت یا منطقه، حداقل در ارتباط با یک تهدید متصور ۳- وجود قرارداد و اتحاد استراتژیک ۴- تجمع کلیه قابلیت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی ۵- واکنش دسته جمعی در مقابل تهدید دشمن مشترک ۶- وابستگی متقابل امنیتی میان بازیگران متحد خاورمیانه (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۰). در پژوهش کنونی راهبرد حضور منطقه‌ای ایران از منظر نظریه موازنه تهدید مبتنی بر نظریه نئورئالیسم پی‌گیری می‌شود. در منطقه غرب آسیا فاکتورهای لازم در جهت اعمال نظریه فوق و همچنین ویژگی‌های راهبرد مستقل ایران قابل تطبیق می‌باشد. اتحاد و ائتلاف دوفاکتو ایران با محور مقاومت یکی از ملزومات به کارگیری این نظریه می‌باشد.

۳- راهبرد امنیتی ایران در غرب آسیا

ایران به‌عنوان یک کشور مستقل در نظام بین‌الملل، برای دستیابی به منافع و امنیت، راهبرد امنیتی مستقل را پیگیری می‌کند. منطقه‌ی غرب آسیا در نقطه‌ی کانونی انواع تعارضات قرار دارد و دارای مشخصه‌ی نظامی‌گری و خشونت می‌باشد. در این فضای آنارشیک اصل خودیاری رئالیست‌ها چراغ‌راهی برای دکترین دفاعی ایران است که در حقیقت، بروز جنگ و ستیز بر اساس منطق رئالیسم که آناشری را به الگوهای آشکار اتحاد و منازعه مبدل می‌سازد، در زیرسیستم خاورمیانه به طور فزاینده تقویت می‌شود. در این فضای تنش‌آلود راهبرد نظامی ایران در درجه اول دفاعی بوده و تمرکز آن بر تضمین تمامیت عرضی، موجودیت نظام سیاسی و ایجاد یک ساختار امنیت منطقه‌ای در حمایت از اهداف ملی می‌باشد. در درجه دوم نگرانی حیاتی و استراتژیک ایران، حضور آمریکا و اسرائیل در منطقه می‌باشد. و در درجه سوم رقابت با همسایگان عرب، به ویژه عربستان سعودی در منطقه، به جهت رسیدن به قدرت منطقه‌ای می‌باشد (Saikal and vestenskov, 2020: 21) تغییرات ایجاد شده در راهبرد نظامی ایران پس از انقلاب اسلامی، رویکرد ایران را از اتکا به متحدی

چون آمریکا، به اتکای داخلی و استقلال سوق داد. بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های نظامی ایران در توانایی‌های جنگ نامتقارن، موشک‌های بالستیک، و یک رویکرد نیروی دریایی دوگانه نامتقارن¹ برای محدود کردن عملیات نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس قابل مشاهده می‌باشد (Rezaei, 2019: 4). در واقع ایران، تجهیز تسلیحات دفاعی را ابزاری برای تامین امنیت، و نقش-آفرینی بیشتر در مسائل منطقه‌ای و جهانی می‌نگرد. استراتژی ایران در راستای سه هدف اصلی است. نخست؛ به‌مثابه سیاست بازدارندگی آعلیه اسرائیل، آمریکا و دیگر متخاصمان بالقوه و بالفعل. دوم؛ به-مثابه سیاست ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای؛ قدرتی که در مسائل منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. سوم؛ به‌عنوان سیاست توازن‌بخش و تعدیل‌کننده حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و به‌گونه بالقوه در دریای خزر نمود پیدا می‌کند (CHubin, 2002:66).

۴- ابزار و عناصر پشتیبانی کننده‌ی راهبرد امنیتی ایران در حضور منطقه‌ای

۴-۱- قدرت نظامی (متعارف و نامتقارن)

نیروهای نظامی ایران به دویخش تقسیم می‌شوند. ۱- ارتش به‌عنوان نیروی رسمی نظامی عمل می‌کند که مسئول دفاع و تمامیت ارضی ایران است. این نیرو به ۴ بخش تقسیم می‌شود. نیروی زمینی به استعداد ۳۵۰ هزار پرسنل به همراه سربازان وظیفه می‌باشد. نیروی دریایی دارای ۱۸ هزار پرسنل و ۲۶۰۰ تکاور دریایی است. نیروی هوایی و پدافند به ترتیب دارای ۳۰ و ۱۲ هزار پرسنل می‌باشد. ۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موازات ارتش تشکیل شده است، پیشینه آن به شکل‌گیری انقلاب اسلامی برمیگردد که در ۴ بخش تشکیل شده است. نیروی زمینی دارای ۱۰۰ هزار نیرو است. و نیروی هوافضا دارای ۲۰ هزار نیرو و نیروی دریایی دارای ۲۰ هزار نیرو (۵ هزار نیرو ویژه) می‌باشد. رکن چهارم نیروی قدس سپاه و نیروی مقاومت بسیج می‌باشد. نیروی قدس فعالیت‌های برون مرزی و مخفیانه را انجام می‌دهد که در کنار سرویس‌های اطلاعاتی ایران فعالیت می‌کند. نیروی هوایی سپاه پاسداران نیز مسئول موشک‌های بالستیک استراتژیک ایران بوده و بازوی تحقیق و توسعه‌ی برنامه موشکی ایران را اجرا می‌کند دو (Saikal and vestenskov, 2020)

¹ Asymmetric

² Deterrence policy

³ IRGC

⁴ Ballistic Missiles

23) عنصر موشک بالستیک و پهپاد، به عنوان قابلیت‌های برجسته نظامی نامتعارف ایران شناخته می‌شوند که می‌توان به صورت عملیاتی با زمان کم برای ضربه سریع به اهداف حاضر شوند.

۴-۲ قدرت نرم

یکی از جنبه‌های کلیدی نفوذ ایران، قدرت نرم آن است. که در تعریف آن می‌توان گفت: ابزار و توانایی که به وسیله آن می‌توانید سایر بازیگران را ترغیب کنید تا علائق شما را بشناسند و به آنها احترام بگذارند. گسترش قدرت نرم یکی از عناصر کلیدی استراتژی امنیت ملی ایران بوده است که در سال ۲۰۰۵ تدوین شد. این استراتژی قدرت نرم در ۴ الگو عرضه می‌شود: ۱- الگوی ولایت فقیه ایران. ۲- روایت قوی ضد نظام سلطه ۳- ایدئولوژی فعال انقلاب اسلامی ۴- پیوندهای گسترده تاریخی و فرهنگی ایران با همسایگانش (Saikal and vestenskov, 2020:24-25) این ۴ عامل الهام بخش تشکیل محور مقاومت می‌باشند که پشتیبان و کمک‌کننده به اهداف سیاست خارجی ایران در حضور منطقه‌ای می‌باشد.

۵- منافع ملی ایران در غرب آسیا

تحولات منطقه خاورمیانه پس از پایان جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸)، همچنان پرآشوب و در شرایط التهاب به سر می‌برد. حمله‌ی رژیم صهیونیستی به لبنان، انتفاضه‌ی مجاهدان فلسطینی و حمله‌ی وسیع عراق به کویت نمونه‌ای از این تحولات هستند. به دنبال این تحولات، دو رخداد مهم در منطقه روی داد. رخداد اول، شکل‌گیری سیاست خارجی جدید ایران و حمایت از فلسطین در برابر اسرائیل که حامی عمل‌گرای جدیدی برای محور مبارزان علیه اسرائیل به وجود آورد و رخداد دوم با اشغال کویت توسط عراق، آمریکا به همراه متحدان خود، در عملیات طوفان صحرا و شروع جنگ خلیج فارس، به نبرد با عراق بعضی مشغول شد و حضور خود را در منطقه به عنوان متحد اصلی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تثبیت کرد. ایران در دهه ۷۰ با توجه به پایان جنگ تحمیلی و شروع سازندگی در عرصه داخلی، با معمای امنیتی خارجی جدید روبرو شد. حضور آمریکا در مجاورت مرزهای ایران تهدیدی به مراتب بالاتر از عراق بود. بدین شرح، ایران برای حفظ منافع ملی خود به اقدامات امنیتی متوسل شده است که این اقدامات، بر مبنای تئوریک پژوهش فوق ساماندهی می‌یابد.

¹ Drone

۵-۱: تامین امنیت ملی و حفاظت از جریان صدور انرژی ایران در خلیج فارس

حراست از صدور انرژی در خلیج فارس بخش نخست استدلال ایران در حضور منطقه‌ای است. وقوع جنگ ایران و عراق، کشورهای عربستان سعودی، کویت، اردن و امارات با حمایت‌های سیاسی و اقتصادی به‌رژیم صدام حسین، به تقویت ماشین جنگی وی پرداختند. تهدیدات امنیتی علیه ایران در خلیج فارس با جنگ نفتکش‌ها در سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۵ به اوج خود رسید. عراق و آمریکا برای قطع جریان صدور انرژی ایران و افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی به پایانه‌های نفتی، جزایر و نفتکش‌های حاوی نفت صادراتی ایران تهاجم وسیع صورت دادند. تا در نتیجه با ایجاد ترتیبات جدید امنیتی در منطقه خلیج فارس، توسط دولت‌های عربی و با حمایت آمریکا، زمینه شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان ایجاد شود. از چشم‌انداز ایران، اتحاد دوفاکتوی شورای همکاری با آمریکا، یک عدم توازن در منطقه ایجاد کرده است که امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند (خسروی و مجاهدزاده، ۱۳۹۸: ۱۱۴). در این راستا، بازوان اجرایی سیاست‌های امنیتی ایران در خلیج فارس، نیروهای نظامی مستقر در منطقه می‌باشد. آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا نیروی دریایی ارتش ایران را حدوداً ۱۸ هزار نفر تخمین زده است. که شامل چهار بخش زیردریایی^۳، قایق‌های تندرو^۴ مجهز به موشک، ناوچه‌های گشتی و واحدهای کمکی از قبیل واحدهای ناوبری دریایی، تفنگداران دریایی و واحدهای کماندویی دریایی است همچنین نیروی دریایی سپاه نیز حدوداً ۲۰ هزار نیرو دارد که شامل حدود ۵۰۰۰ تکاور دریایی می‌شود (آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا؛ ۲۰۱۹). در حوزه پایگاه‌های موشکی، مواضع استراتژیک هوافضای سپاه در جنوب کشور توسعه‌یافته است. هدف از توسعه‌ی ناوگان دریایی و هوایی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس به شرح مقابل است:

- ۱- گسترش نفوذ سیاسی و نظامی در منطقه‌ی خلیج فارس با افزایش پایگاه‌های نظامی از سال ۱۳۷۰ تاکنون.
- ۲- دفاع از منافع استراتژیک و جزایر در خلیج فارس که با تهدیدات گسترده امارات و کشورهای عضو شورای همکاری روبرو است.
- ۳- ایجاد بازدارندگی در عرصه‌ی دریایی در برابر تهدیدات منطقه‌ای و مقابله با دزدی دریایی.

¹ Persian Gulf Cooperation Council

² Security policies

³ Submarine

⁴ Speedboats

⁵ Usa Defense Intelligence Agency

۲-۵: مقابله با نفوذ آمریکا و متحدان آن در منطقه غرب آسیا

تهدیدات امنیتی و عوامل برهم‌زننده توازن قوا علیه ایران در غرب آسیا با حضور طولانی مدت منطقه‌ای آمریکا در عراق پس‌اصدام آغاز شد. حضور آمریکایی‌ها منجر به کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، ایجاد اتحادها علیه ایران و تهدید ایران به حمله‌ی نظامی شد. پیامدهای منفی موازنه سیاسی - امنیتی در خاورمیانه برای ایران پدید آمدن یک محیط رقابتی بود که به مانند سایر بازیگران مهم منطقه‌ای بازیگری موثر در آن منطبق با چارچوب منافع ملی انجام می‌شد، یعنی ایران به سمت مقابله و مهار تهدیدات امنیتی هم‌جوار با مرزهایش و دستیابی به فرصت‌های اقتصادی برای رسیدن به اهداف ملی خود، حرکت کرد (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۰۵). در طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، تلاش ایران برای ایجاد روابط دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه‌ای چرخشی را در استراتژی سیاست خارجی ترسیم می‌نماید که از عقلانیت ایدئولوژیک به سوی پراگماتیسم و واقع‌گرایی گذار نموده است. مصادیق این تغییر پارادیمی را می‌توان در خیزش شیعیان عراق در سال‌های پس از جنگ خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱ مشاهده نمود که تهران همکاری گسترده‌ای با آن داشت. همچنین، امروزه حمایت از گروه‌های اسلامی نشان‌دهنده اهداف ژئوپلیتیک دولت‌محور می‌باشد که با پیگیری سیاست (دفاع تهاجمی)^۲ درصدد عملیاتی‌سازی سیاست بازدارندگی علیه آمریکا و حملات احتمالی این کشور می‌باشد (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۶۱). برای درک بهتر چگونگی رویارویی آمریکا و ایران به شرح سه استراتژی آمریکا در خاورمیانه می‌پردازیم: ۱- اهداف ژئوپلیتیکی به این معنا که با تسلط جغرافیایی آمریکا بر این منطقه، رهبری نظم جهانی را تسهیل و ممکن می‌کند. ۲- اهداف اقتصادی، دسترسی و کنترل منحصر به فرد آمریکا به انرژی خاورمیانه. ۳- محقق شدن امکان حکمرانی جهانی برای آمریکا منطقه خاورمیانه را می‌توان محدوده «ویژه» برای سیاست خارجی آمریکا دانست. حمایت از متحدان، تامین امنیت اسرائیل، بازار فروش تسلیحات، از مهم‌ترین دلایل این حضور ویژه محسوب می‌شود که توازن را به ضرر ایران تغییر می‌دهد (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۰۷). بدین صورت، ایران بر این باور است که آمریکا یک قدرت غیر محافظه‌کار است که قابلیت سازگاری با نقش طبیعی ایران در منطقه را ندارد. بر این اساس، واکنشگن در تلاش برای سکولاریزه

¹ Ideological rationality

² Pragmatism

³ Offensive defense

نمودن خاورمیانه می‌باشد، در حالی که درصدد نابودی انقلاب و نهادهای اسلامی ایران و برانگیختن اختلافات داخلی در ایران می‌باشد (Wehrey et al, 2009: 10-11) در این پیوند، مقامات ایران بر این اعتقاد هستند که استراتژی آمریکا این است که با تجزیه کشورهای اسلامی از طریق آشوب‌ها و تنوعات قومی و براساس دکترین گالیوریسسم^۱، سراسر منطقه را به مخاطره بیندازد. تاجایی که تا سال ۲۰۰۶، مقامات ایرانی تنش‌های فرقه‌ای در خاورمیانه را تدبیر مهندسی آمریکا برای تضعیف ثبات اسلامی و حاشیه راندگی ایران می‌دانستند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۶۱). برخی اقدامات مقابله‌ای ایران در برابر نفوذ آمریکا به شرح مقابل است: ۱- تشکیل محور نیروهای نیابتی در سراسر منطقه با بن‌مایه‌های فرهنگی نظیر حشدالشعبی عراق و حزب‌الله لبنان. ۲- تکیه بر سیاست نگاه به شرق و گسترش مناسبات با چین و روسیه و همچنین فعال نمودن نقش روسیه در منطقه نظیر بحران سوریه. ۳- عضویت در سازمان‌های همکاری منطقه‌ای نظیر شانگهای (۲۰۲۱) و پی‌گیری عضویت در سازمان بریکس در جهت حفظ و گسترش همپیمانان سیاسی و امنیتی. ۴- گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک، اولویت‌دادن به همسایگان و حفظ نگاه مثبت به کشورهای منطقه‌ای خاورمیانه در جهت کاهش تنش و مقابله با اجماع آنان علیه ایران.

۲-۱-۵ ارتقای عمق استراتژیک ایران در سوریه

ایران و سوریه از بدو تشکیل انقلاب اسلامی در ایران، دارای مواضع سیاسی و نظامی مطلوبی می‌باشند. وجود سوریه به عنوان کشوری در جهان عرب که با سیاست‌های اعراب در جنگ با ایران مخالفت می‌کرد دارای اهمیت ویژه بود. تحولات پس از جنگ در منطقه، دو ائتلاف اصلی را شکل داد. آمریکا و محور عربی در برابر محوری از ایران و کشورهای محور مقاومت که منافع سیاسی و اقتصادی متعارض را دنبال می‌کردند منطقه را به صحنه‌های جدیدی از درگیری سوق داد. بنابر نارسایی‌های اقتصادی و سیاسی که ریشه در سالیان گذشته و شرایط اقتصادی سوریه داشت، اعتراضات مردمی در سال ۲۰۱۰ در سوریه در واقع در پی بیداری اسلامی کشورهای عربی، رخ داد.

^۱ دکترین گالیوریسسم: از جیمز بلک است که طبق آن، پنج کشور خاورمیانه به ۱۴ کشور تقسیم می‌شوند. طبق این دکترین خاورمیانه همان سرزمین لی‌لی پوت است که از میان شش گالیور آن یعنی ایران، مصر، عربستان، ترکیه، عراق و رژیم اسرائیل، پنج کشور اول باید تجزیه و قطعه‌قطعه شوند و تنها گالیور ششم که اسرائیل است، بماند و لی‌لی پوت خاورمیانه را مدیریت کند.

^۲ Shanghai Organization

سوریه به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی به‌عنوان کشوری در مجاورت اسرائیل و در مرکز کشورهای محور مقاومت، که از نظر انرژی برای اروپا و آمریکا دارای اهمیت بود، مورد توجه تمامی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفت. به همین دلیل ایران در منازعه سوریه رویکرد حفظ وضع موجود را دنبال می‌نماید. اهداف ایران از اتخاذ سیاست فوق به شرح مقابل است: الف: جلوگیری از تضعیف قدرت و تقویت نفوذ خود. ب: جلوگیری از تغییر موازنه‌قوا به نفع کشورهای همچون ترکیه، عربستان و اسرائیل ج: جلوگیری از نفوذ بیشتر آمریکا د: جلوگیری از تضعیف امنیت نظامی خود با از دست رفتن عمق راهبردی در منطقه شامات (عباسی، ۱۳۹۴: ۹۶). اگر وضع موجود در سوریه تغییر کند، موازنه قوا علیه ایران بصورت زیر تغییر خواهد نمود: الف: از بین رفتن عمق استراتژیک ایران، قدرت نظامی ایران را کاهش می‌دهد ب: باری بوزان مجموعه امنیتی خاورمیانه را دارای سه بخش سوریه، خلیج فارس و غرب می‌داند (Weaver and Buzan, 2003: 12) تغییر وضعیت در سوریه، پیوند ارتباطی ایران را با سرزمین شامات به عنوان یکی از سه بخش مجموعه امنیتی خاورمیانه دچار اختلال می‌نماید ج: حمایت ایران از بشار اسد، به صورت بالقوه یک متحد می‌افزیند و از خروج سوریه از محور مقاومت جلوگیری می‌کند. به صورت کلی می‌توان گفت سوریه پس از ایران از جایگاه بالایی در حلقه‌ی امنیتی محور مقاومت برخوردار است و تلاش ایران در رواج نظام سیاسی اسلامی امت‌گرا از ارتباط مهم سوریه با جنبش اسلام شیعی مدنظر ایران دارد که در برابر اسرائیل حایز اهمیت است.

۲-۲-۵ حضور ایران در تحولات عراق و مبارزه با تروریسم

پیچیدگی تحولات عراق از زمان اشغال آمریکا در سال ۲۰۰۳ و شکل‌گیری عراق جدید آغاز شد. در نظر سیاست‌مداران و رهبران آمریکا، لزوم تغییر نظامات سیاسی کشورهای عربی پس از ۱۱ سپتامبر با هدف دموکراتیزه کردن خاورمیانه شکل گرفت. بدین جهت، حمله به عراق با بهانه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی رژیم بعث و مبارزه با تروریسم به‌عنوان کشور هدف برگزیده شد. برخلاف اهداف اولیه آمریکا در عراق مبنی بر ایجاد یک دولت با نفوذ و با قدرت شیعیان سکولار، لیبرال پیروزی شیعیان اسلام‌گرا در رقابت قدرت و همچنین تداوم ناامنی‌ها و در نتیجه افزایش هزینه‌های آمریکا، شرایط جدیدی را در این کشور رقم زد. برای چندین دهه، سیاست آمریکا در خلیج فارس،

¹ Strategic depth

² balance of power

ایجاد توازن بین ایران و عراق بود و پس از سقوط صدام، انتظار این را داشت که میان شیعیان ایران و عراق شکاف و رقابت ایجاد شود اما واقعیت، خلاف این را نشان می‌دهد (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۲۲۰). شیعیان نزدیک به ایران و جامعه اهل سنت عراق با سیاست‌های آمریکایی و ایجاد روندهای سیاسی مورد انتظار آمریکا در این کشور مخالفت کردند و در پی چنین تحولاتی، و افزایش هزینه‌های امنیتی آمریکا از راهبرد «ایجاد الگو» به راهبرد «خروج کم هزینه» تغییر موضع داد. ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و سیاست تغییر رژیم در ایران، سوریه و عراق، باعث شد تا آمریکا با کنارنهادن سیاست حضور همه‌جانبه، به واگذاری نقش نیابتی به کشورهای متحدی چون عربستان روی آورد. منازعه نیابتی بابسج نیروهای اجتماعی، سازماندهی گروه‌های شبه‌نظامی، کارگزاران منطقه‌ای و گروه‌های فروملی انجام می‌گیرد (مرادی کلارده و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۶: ۱۸۶). آمریکا سعی دارد از طریق بحران‌سازی از قابلیت ایدئولوژیک عربستان در قالب عملیات انتحاری علیه شیعیان به همراه جدال امنیتی علیه سیاست‌های منطقه‌ای ایران بهره‌برداری کند. در همین راستا، گروه‌های تکفیری مانند داعش نیز به عنوان کارگزار آمریکا در این منازعه نیابتی، ثمره بهم‌ریختگی نظم پیشین جهانی است. بی‌ثباتی ناشی از تغییر در مولفه‌های بنیادین نظام بین‌الملل، ضمن دامن‌زدن به بی‌ثباتی در خاورمیانه، فرصت تحقق ایده تاریخی گروه‌هایی چون داعش در دستیابی به جایگاه موثر در قدرت منطقه را به واقعیت نزدیک کرده است (مرادی کلارده و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

آمریکا به واسطه‌ی داعش ضمن ایجاد ناامنی در مرزهای ایران، با هدف برهم‌زدن امنیت ملی ایران، حضور بلندمدت خود را توجیه می‌نمود. پس از ناکامی استراتژی «جنگ نیابتی» آمریکا در منطقه، ترور سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس، صورت‌گرفت. تحولات پساترور فرمانده سپاه قدس ایران به موارد مقابل قابل تقسیم‌بندی می‌باشد. الف: شکل‌گیری راهپیمایی‌های مردمی در کشورهای منطقه علیه آمریکا ب: تسریع‌شدن روند خروج نیروهای آمریکایی در عراق و با تصویب مجلس عراق در سال ۱۳۹۸ ج: حمله‌ی ایران با موشک‌های بالستیک به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد در عراق و تغییر مثبت موازنه‌ی قوا در منطقه به سود ایران. د: حملات نیروهای نیابتی ایران و محور مقاومت به پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی در سراسر منطقه. تحولات در عراق، باثبات‌تر از دیگر اعضای محور مقاومت

¹ Greater Middle East Plan

² proxy conflict

دنبال می‌شود. پس از یک دوره سخت در مقابله با گروه‌های تروریستی از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۳ چالش حضور نیروهای آمریکایی و خروج تدریجی آنان در دستور کار مقاومت قرار گرفته است.

۲-۳-۵ حضور ایران در تحولات لبنان و مسئله امنیت اسرائیل:

اهمیت ژئوپولیتیک منطقه‌ی شرق‌مدیترانه و نیز موضع ایران در برابر حوادث جاری مانند اشغال فلسطین و صلح‌اعراب و اسرائیل سبب شده است که بازیگران غربی و عربی مانع دسترسی ایران به-شرق‌مدیترانه شوند. ظهور حزب‌الله در لبنان و موفقیت‌های چشمگیر آن، از دستاوردهای انقلاب-اسلامی بود که کانون تحولات را از دست دولت‌ها که در قالب موافقت‌نامه‌های کمپ دیوید، اسلو و مادرید درحال پیشرفت بود، خارج ساخت و نقش بازیگران غیردولتی را پررنگ کرد. جنگ ۳۳ روزه‌ی رژیم صهیونیستی با لبنان، ایران را به کانون توجهات دیپلماتیک برای حل بحران تبدیل کرد، به گونه‌ای که گفتگوها و همکاری‌های دیپلماتیک مقامات کشورها با ایران به منظور بهره‌گیری از نفوذ خود در جنبش حزب‌الله و ایفای نقش محوری در حل بحران به شکل چشمگیری افزایش یافت. از بعد بازدارندگی، دست گذاشتن بر نقاط ضعف دشمن، به‌ویژه مبادرت به فعالیت‌های اطلاعاتی در کنار مرزها یا حتی درون خاک دشمن و آسیب پذیرسازی آن از این نقاط به مراتب بیشتر از استفاده از سلاح‌های هسته‌ای از نظر نظامی و عملیاتی تأثیرگذار خواهد بود. تحولات پس از ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ و درگیری شدید حماس و اسرائیل، نقش مهم حزب‌الله را نمایان کرد. از روز آغازین جنگ و در ادامه با انواع روش‌های نامتقارن نظامی، به حمایت از انتفاضه پرداخت. موازنه‌ی امنیتی میان حزب‌الله و اسرائیل به شدت در حال آزمایش و امتحان است و گاهی با سود طرفین سوق پیدا می‌کند. حمایت و حمله‌ی ایران به اسرائیل در دو عملیات وعده صادق در مهر ۱۴۰۳، در پاسخ به حملات اسرائیل به منطقه ضاحیه و شهادت دبیر کل حزب‌الله، موازنه امنیتی ثابت (حفظ وضع موجود) و مثبتی را برای مقاومت خلق کرده است.

۴-۲-۵ یاری‌رسانی ایران به مجاهدان فلسطینی:

با پیروزی انقلاب در ایران و اعلام حمایت از ملل مسلمان و نیز حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی-بخش به‌عنوان یکی از سیاست‌های ایران، مسئله حمایت از فلسطین از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم و دولتمردان برخوردار شد و روابط غیررسمی ایران و رژیم صهیونیستی قطع شده و سفارت سابق این رژیم در اختیار سازمان آزادی‌بخش فلسطین قرار گرفت (سادات، ۱۳۹۴: ۹۲). اقدامات ایران در

¹ Nuclear weapons

باب مسائل فلسطین به شرح زیر است: الف) وزارت امور خارجه ایران با اعلام مواضع صریح خود، حقانیت فلسطینیان در داشتن سرزمین و حاکمیت مستقل را طرح می‌کند ب) برای ایجاد وحدت در بین گروه‌های فلسطینی و جهان اسلام، ایران، با استفاده از امکانات موجود به ویژه (در دوره ریاست خود بر سازمان کنفرانس اسلامی^۱) از هیچ کوششی در حمایت از انتفاضه دریغ نورزیده است. ج) برگزاری روز جهانی قدس در ایران و سایر کشورهای اسلامی د) مخالفت با روند سازش، تبیین دیدگاه توسعه-طلبانه اسرائیل به‌عنوان تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه، حمایت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی به پایتختی بیت‌المقدس از مواضع اصلی ایران بوده است (سادات، ۱۳۹۴: ۹۴). همکاری ایران و مقاومت فلسطین از جنبه‌ی اسلام‌گرایی و صهیونیسم‌ستیزی قابل تحلیل است اما سیاست رئالیستی ایران در رقابت منطقه‌ای با اسرائیل یک‌جنبه‌ی دیگر دفاع از بنیان‌های مقاومت اسلامی می‌باشد. واقعه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و انتفاضه حماس، جدیدترین تحولات را برای منطقه ارمغان آورد که شکست اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسرائیل بود. در ادامه حملات وسیع اسرائیل در نوار غزه و ترور رهبر حماس در ایران، و پاسخ نظامی ایران به اسرائیل که نظم خودساخته محور مقاومت را حفظ کرد، علاوه بر حفظ بازدارندگی به دنبال کاهش فشار بر اعضای محور مقاومت می‌باشد.

۵-۲-۵ حضور ایران در تحولات یمن:

ریشه‌های بحران یمن به سال‌های قبل از آغاز بیداری اسلامی باز می‌گردد. با توجه به ضعف بنیه اقتصادی، غلبه فرهنگ قبیله‌گرایی، و عدم شکل‌گیری هویت ملی منسجم و یکپارچه و سرانجام ضعف دولت مرکزی یمن سرآغازی بر ایجاد بحران در این کشور شد (دهشیری، معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). این تحولات منجر به حمله به کاخ ریاست جمهوری و مصدومیت علی‌عبدالله صالح و نهایتاً برکناری وی از قدرت شد (ابوالحسن شیرازی و مظلوم طبائی‌زواره، ۱۳۹۱: ۴۲). یمن از منظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، در جنوب شبه‌جزیره عربستان و شمال تنگه باب‌المندب قرار دارد. این کشور از زمان تاسیس، همواره تحت سیاست مداخله‌گرایانه عربستان سعودی قرار دارد و از بعد داخلی و خارجی، نفوذ عربستان موجب عدم شکل‌گیری یک حکومت ملی مورد وفاق تمامی طرف‌های درگیر می‌شود. بدین صورت، پس از شکل‌گیری تحولات داخلی یمن در سال ۲۰۱۱، عربستان سعودی با ارائه طرح ده‌بندی زمینه را برای روی کار آمدن منصور هادی فراهم نمود. پس از

¹ Organization of the Islamic Conference

² Anti-Zionism

استعفا و فرار منصور هادی از کشور، عربستان سعودی با هدف روی کار آمدن دولت دست‌نشانده خود با ائتلافی از ده کشور عربی در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۵ به یمن حمله کرد (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). الف: موقعیت راهبردی یمن برای عربستان دارای اهمیت می‌باشد زیرا تنگه باب‌المنذب در انتقال انرژی، ترانزیت کالا، توریسم و مسائل نظامی دارای اهمیت است. ب: روی کار آوردن دولت دست‌نشانده. پ: نگرانی بابت قدرت‌گیری فزاینده انصارالله و تهدید مرزهای جنوبی. ت: مقابله با نفوذ ایران و تغییر موازنه قدرت. ج: هراس از رسیدن دموکراسی به یمن. رابطه‌ی ایران و حوثی‌های یمنی در اول‌بار یک رابطه‌ی دینی، فرهنگی و ایدئولوژیکی می‌باشد. Adelkhalah, (2015) در جریان اعتراض‌های مردمی در کشور یمن، تهران به حمایت خود از گروه یاد شده تداوم بخشید. تهران با قدرت‌گیری حوثی‌ها، با انعقاد قراردادهای اقتصادی سعی در گسترش روابط با کشور یمن داشت. این قرارداد شامل: گسترش بندر حدیده و ساخت نیروگاه‌های گاز و برق در یمن بود، که در سال ۱۳۹۳ به امضاء رسید (Milani, 2015) طرح چهار ماده‌ای ایران که به دبیر کل سازمان ملل ارائه شد: الف: برقراری آتش بس و توقف حملات نظامی خارجی. ب: فرستادن فوری و بدون وقفه کمک‌های انسان دوستانه برای مردم یمن. ج: از سرگیری گفتگوی ملی یمنی با هدایت مردم و مشارکت نمایندگان تمام احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی. د: تشکیل دولت فراگیر وحدت ملی یمن (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۳). بدین ترتیب، سیاست ایران در ایجاد تلاش‌های دیپلماتیک در تقویت کفه‌ی موازنه‌ای مقاومت و مخالفت با جنگ در یمن موجب اعمال خسارت نظامی و سیاسی بر ائتلاف عربی شده است.

۶- عکس‌العمل در برابر ائتلاف‌های منطقه‌ای ضد محور مقاومت.

یکی از مشخصه‌های رقابت‌های منطقه‌ای قدرت‌ها در منطقه غرب آسیا، شکل‌دهی به اتحادها و ائتلاف‌هاست. در این بخش به شرح سه ائتلاف شکل‌گرفته در غرب آسیا می‌پردازیم.

۶-۱ ائتلاف محور مقاومت^۲: این ائتلاف مجموعه‌ای از دولت‌ها و گروه‌ها و سازمان‌های شبه-

نظامی را شامل می‌گردد. مشخصه اصلی فکری و عقیدتی این ائتلاف، مبانی اسلام‌گرایی شیعی و سنی است. ایران با تکیه بر گفتمان اسلامی و با شعارنه شرقی، نه غربی علاوه بر اینکه نظام سلطه را

¹ United Nations

² Resistance axis coalition

به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن خود معرفی کرد بلکه یک مجموعه غنی از ارزش‌های فرهنگی و یک شیوه زیست اجتماعی متفاوت نیز بود که مورد توجه ملت‌ها قرار گرفت و موجب پیدایش و رشد طیف‌های جدیدی از مقاومت گردید (عسکری کرمانی و معین آبادی بیدگلی، ۱۳۷: ۱۴۰۰). عراق، سوریه، لبنان و فلسطین و یمن پایه‌های این ائتلاف هستند.

۲-۶ ائتلاف سنی: از منظر بسیاری از تحلیل‌گران هدف اصلی ایجاد این ائتلاف رفع درگیری-های داخلی جهان تسنن برای مواجهه محور مقاومت است. لذا بر همین اساس تلاش برای ائتلاف سنی‌ها به دغدغه عربستان جهت مقابله با ایران و محور مقاومت بدل شده است (عسکری کرمانی و معین آبادی بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۳۹-۱۳۸). عربستان سعودی، امارات، اردن، مصر پایه‌های این ائتلاف را تشکیل می‌دهند.

۳-۶ ائتلاف عبری و عربی: اسرائیل (طرف عبری ائتلاف): حمایت از اقدامات گروه‌های تروریستی نظیر داعش و ترغیب آمریکا جهت افزایش فشار و تحریم‌های سنگین اقتصادی علیه محور مقاومت و همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی تروریستی در دید کشورهای محور مقاومت از جمله اقدامات رژیم اسرائیل در این ائتلاف است (اختیاری‌امیری، رشیدی و سلطانیان: ۱۳۹۹: ۱۱۸). عربستان (طرف عربی ائتلاف): عربستان عمدتاً به دنبال ایجاد تعارضات فرقه‌ای و هویتی به‌عنوان ابزاری جهت مقابله با محور مقاومت، به خصوص ایران بوده است. علاوه بر این، عربستان سیاست پان‌عرب‌گرایانه مذهب محور را هم دنبال کرده است. این کشور سعی دارد تا با همراهی رژیم اسرائیل در این ائتلاف ایدئولوژی فرقه محور را به‌پیش برده و جهان اسلام را دوقطبی کند. انتفاضه الاقصی حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، چهره کارکردی ائتلاف‌های متعارف در منطقه غرب آسیا را دگرگون کرده است و با توجه به جنایات اسرائیل، روند کار بر روی مذاکرات صلح ابراهیم و به رسمیت شناختن اسرائیل توسط اعراب موقتا متوقف شده است.

¹ Sunni coalition

² Hebrew and Arabic coalition

³ Pan-Arabism

جدول شماره ۱.۱

سال	جنگ، مداخله، منازعه
۱۹۷۹	انقلاب اسلامی ایران
۱۹۸۰	جنگ ایران و عراق
۱۹۸۲	تهاجم اسرائیل به لبنان
۱۹۸۷	انتفاضه فلسطین
۱۹۹۰	تهاجم عراق به کویت
۱۹۹۱	جنگ خلیج فارس (عملیات طوفان صحرا)
۲۰۰۰	انتفاضه الاقصی فلسطین
۲۰۰۱	حادثه ۱۱ سپتامبر
۲۰۰۳	تهاجم آمریکا به عراق
۲۰۰۶	تهاجم اسرائیل به لبنان
۲۰۰۸-۲۰۰۹	تهاجم اسرائیل به غزه
۲۰۱۰-۲۰۱۲	جنبش‌های سیاسی خاورمیانه
۲۰۱۱	جنگ داخلی سوریه، آغاز نبرد با تروریسم
۲۰۱۳	ظهور داعش در سوریه
۲۰۱۴	نبرد عراق با تروریسم افراطی بین‌المللی
۲۰۲۰	شهادت سردار سلیمانی و حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد
۲۰۲۳	از سرگیری روابط ایران و عربستان سعودی
۲۰۲۳-۲۰۲۴	طوفان الاقصی حماس-شهادت دبیرکل حزب‌الله و رئیس دفتر سیاسی حماس
۲۰۲۳-۲۰۲۴	عملیات وعده صادق ۱ و ۲ ایران علیه اسرائیل

۷- توافق امنیتی ایران و عربستان سعودی

پس از کش و قوس‌های فراوان از زمان جنگ داخلی یمن، مسئله سوریه و عراق، دو کشور ایران و عربستان بنابر منافع اختلاف‌زا، دچار تنش دیپلماتیک و قطع روابط شدند که رویارویی دو

^۱ برخی از منازعات درونی زیرسیستم خاورمیانه از سال ۱۹۷۹م تا کنون.

^۲ Al-Aqsa Intifada

کشور را به مرحله‌ی جدیدی سوق داد. بنابر الزامات امنیتی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و پس از طی ۴ ساله‌ی قطع روابط، ایران و عربستان سعودی با واسطه و میانجیگری دیپلماتیک چین در ۱۹ اسفند ۱۴۰۱، موافقت‌نامه‌ی از سرگیری روابط را منعقد کردند. موافقت‌نامه‌ی فوق می‌تواند به کاهش چشمگیر برخورد دو بلوک منجر شود. ۱- نظم تک قطبی به رهبری آمریکا از زمان فروپاشی صدام در سال ۲۰۰۳ به بعد مطرح شد. بدین ترتیب، مراودات، تعاملات و معاهدات امنیتی آمیان متحدان آمریکا در منطقه با ایران به شدت مورد نظارت ایالات متحده آمریکا می‌باشد. اما سیاست به انزوا کشاندن ایران از زمان خروج آمریکا از برجام و فشار حداکثری که به همراه ائتلاف‌سازی عربی علیه ایران طرح می‌شود با محوریت عربستان سعودی شکل گرفت که با معاهدی فوق، سیاست مطروحه منزوی شد. ۲- سیاست رژیم صهیونیستی در عادی‌سازی روابط میان خود و اعراب که به صلح ابراهیم معروف است، به وسیله‌ی معاهده‌ی عربستان و ایران مورد تردید جدی قرار می‌گیرد، زیرا یکی از اهداف مهم ایران از توافق، شکستن سلطه‌ی سیاسی اسرائیل بر اعراب می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حفظ منافع و امنیت ملی ایران در غرب آسیا، گسترش عمق استراتژیک و خشی‌سازی تهدیدات امنیتی با توجه به تحولات پساجنگ ایران و عراق مهم‌ترین اهداف حضور منطقه‌ای ایران می‌باشند. راهبرد نخست، استفاده از قدرت سخت نظامی است. و راهبرد دوم توجه به اتحاد و ائتلاف‌ها می‌باشد. جایگاه قدرت نرم در پژوهش فوق شکل دهی به پایه‌های ایدئولوژیکی و بن‌مایه‌های اسلامی است که توانست محور مقاومت را شکل دهد. دسته‌بندی خاورمیانه به دو بخش (خلیج‌فارس) و مناطق (عراق، سوریه، لبنان، فلسطین‌اشغالی و یمن) با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک انجام شده است. در خلیج‌فارس تهدیدات امنیتی از زمان جنگ تحمیلی شروع و تا به حال ادامه دارد که پایگاه‌های آمریکایی و برخی کشورها اهداف متخاصم شناسایی شده‌اند. اما با توجه به تحولات جدید منطقه خاورمیانه و بازگشایی سفارت ایران و عربستان در دو کشور، رویکرد حفظ وضع موجود با تاکید بر همکاری‌های استراتژیک در عرصه اقتصادی، امنیتی و نظامی قابل پیش‌بینی است. در عراق و سوریه

¹Conflicting interests

² Unipolar order

³ Security treaties

⁴ peace of Ebrahim

تحولات بیداری اسلامی سرآغاز ستیزهای فراوان بین‌المللی شد که عملکرد دو بلوک اسلامی (مقاومت) و عبری، عربی، آمریکایی و ترکی هدف و کنش‌های متفاوت ایجاد کرده است. بدین ترتیب، سقوط نظامات سیاسی دو کشور عراق و سوریه و ایجاد گروه‌های تروریستی نظیر داعش برای نابودی مقاومت و منافع ملی ایران هدف محور غربی بود. اما تلاش‌های ایران در جهت گسترش کمک‌های مستشاری نظامی و مستقیم عملیاتی مانع از فروپاشی دو کشور شد. تحولات لبنان و فلسطین‌اشغالی از سالیان گذشته با رویارویی سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی با رژیم اسرائیل دنبال می‌شود. کمک‌های نظامی و ارتباطات ایدئولوژیکی میان ایران و سازمان‌های شیعی نظیر حزب-الله توان عملیاتی و دفاع در خارج از مرزها را برای ایران تحقق بخشید. تحولات یمن و بخش انتهایی پازل محور مقاومت در جنوب شبه جزیره عربستان می‌باشد. حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک ایران از حوثی‌ها در برابر محور عبری عربی، کمک شایانی به مجاهدان اسلامی در جهت حفظ یمن به عنوان یکی از مراکز مقاومت کرده است. موازنه‌سازی ایران با استفاده از محور مقاومت و برخی متحدان فرامنطقه‌ای مانند (روسیه) و موازنه‌سازی کشورهای عربی با استفاده از قدرت آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی انجام می‌شود. استراتژی ایران با استفاده از راهبرد جنگ نامتقارن و عناصر پشتیبانی‌کننده‌ی نظامی متعارف دو بعد داخلی و خارجی راهبرد نظامی ایران می‌باشد. با توجه به طرح مسئله سه راهکار عمده در جهت حضور موثرتر منطقه‌ای و کسب منافع ملی ایران طرح می‌شود: ۱- گریز از چالش‌های هزینه‌های نظامی ایران با استفاده از فروش تسلیحات به دولت‌های منطقه در ورای سیاست خارجی تنش‌زدا. ۲- توجه به الزامات نظم جدید بین‌المللی در منطقه و رعایت الگوی شبکه‌ای تعارض و همکاری توأمان. ۳- پی‌گیری سیاست خارجی مطلوب همسایگی با دولت‌های اسلامی و حل و فصل اختلافات از طریق مذاکرات و توسعه روابط اقتصادی.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و مظلوم طبایی زواره، سید رضا (۱۳۹۱). انقلاب صورتی در یمن و نقش عربستان در سرکوب آن، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۶(۲۱)، ۳۷-۷۶.
- اختیاری‌امیری، رضا، رشیدی، احمد و سلطانیان، عبدالله (۱۳۹۹). ائتلاف عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۹(۳۳)، ۱۰۱-۱۲۵.
- انصاری، طاهره (۱۳۸۶). شکوه مقاومت، انتشارات شرکت کتاب‌های حبیبی.
- بوزان، باری (۱۳۹۰). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). استراتژی موازنه تهدید و امنیت دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲(۷)، ۳۴-۱۱.
- جعفری، علی‌اکبر و ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۶). خاورمیانه و امنیت بین‌الملل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، دانشگاه مازندران.
- جعفری، علی‌اکبر و ذوالفقاری، وحید (۱۴۰۱). تحول پارادایمیک در نظریه‌های روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران.
- خسروی، حمیدرضا و مجاهدزاده، محمد (۱۳۹۸). اخوت بررسی الگوی دوستی حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه موازنه قدرت (حزب‌الله خط مقدم جبهه مقاومت)، انتشارات آناپنا.
- دهشیری، محمدرضا و معبودی، فرشته (۱۳۹۶). ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۵(۱۹)، ۱۷۱-۱۴۱.
- سادات، سیداحمد (۱۳۹۴). روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت اسلامی فلسطین (با تأکید بر جنبش جهاد اسلامی). مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۴(۱۶)، ۱۰۵-۷۷.
- عسکری‌کرمانی، محمد و معین‌آبادی بیدگلی، حسین (۱۴۰۰). بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه، مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰(۲۰)، ۱۴۷-۱۲۷.
- عسگرخانی، ابومحمد و حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۰). تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی-امنیتی ج.ا.ایران، راهبرد دفاعی، ۹(۳۳)، ۶۹-۹۹.
- فیروزکلاهی، عبدالکریم (۱۳۹۴). تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن، پژوهش‌های منطقه‌ای، ۷(۱۵)، ۱۸۹-۱۵۹.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۹). اصول روابط بین‌الملل، انتشارات میزان.
 گلشنی، علیرضا و سهرابی، حمیدرضا (۱۳۹۳). نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۶(۱۸)، (۱۱۸_۸۱).
 محمدی، سبحان (۱۴۰۰). بایسته امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات آرون.
 مرادی کلارده، سجاد و شهیدانی، مهدی (۱۳۹۶). خاورمیانه: ویژگی‌ها و اهداف، روابط خارجی، ۹(۳)، ۱۶۳-۱۹۲.

- Adelkhah, Nima. (2015), Iranian Perspectives on Yemens Houthis, The Jamestown foundation, Global Research and Analysis.
- Defense Intelligence Agency (2019, Nov). *Iran Military Power*. <https://www.dia.mil/News-Features/Articles/Article-View/Article/2020456/defense-intelligence-agency-releases-report-iran-military-power/>.
- Milani, mohsen. (2015), Irans Game in Yemen: Why Tehran Isn Tto Blame for the Civil War, Foreign Affairs, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-04-19/>.
- Rezaei, F. (2019). Irans Military capabilty: The Structure and Strength of Forces, Insight Turkey, 21(4), 183_214, <https://doi.org/10.25253/99.2019EV.01>.
- Saikal, A., & Vestenskov, D. (2020). Iran's National Security and Operational Capability. *Scandinavian Journal of Military Studies*, 3(1), 18–30. <https://doi.org/10.31374/sjms.29>.
- Waltz, K. (1979) *Theory of International Politics*. New York: Random House.
- Walt, S. (1987). *The Origins of Alliances*, Ithaca, NY: Cornell University press.
- Waeber, O., Buzan, B., Kelstrup, M. and Lemaitre, P. (1993), *Identity, Migration and the New Security Agenda in Europe*, London: Pinter.
- Wehrey, F., David E. Thaler, Nora Bensahel, Kim Cragin, Jerrold D. Green, Dalia Dassa Kaya & Nadia Oweidat and Jennifer Li. (2009), *Dangerous But Not Omnipotent: Exploring the Reach and Limitations of Iranian Power in the Middle east*, RAND Corporation.